

کندو کا ویر کیفیت مطلوب در فضائے شہر

www.ketab.ir

حسین مبینی - محسن شکری



تهران - ۱۳۹۴

سرشناسه	مبینی، حسین
عنوان و نام پدیدآور	کندوکاوی بر کیفیت مطلوب در فضای شهری
مشخصات نشر	تهران: عصر کنکاش، ۱۳۹۴
مشخصات ظاهری	۹۸ص: مصور، جدول، نمودار؛ س م ۲۲×۲۹
شابک	۹۷۸-۶۰۰-۶۹۴۹-۷۱-۰
وضعیت فهرست نویسی	فیبای مختصر
یادداشت	کتابنامه
شناسه افزوده	شکری، محسن
شماره کتابشناسی ملی	۳۸۰۲۵۷۲



انتشارات علمی، فرهنگی و آموزشی

عصر کنکاش

گروه آموزشی مهندس روحی زاده

عنوان کتاب:	کندوکاوی بر کیفیت مطلوب در فضای شهری
مؤلف:	حسین مبینی - محسن شکری
صفحه آرا:	ساغر ابوالقاسمی
طرح جلد:	عصر کنکاش
چاپخانه و صحافی:	گل ها
نوبت چاپ:	اول
شمارگان:	۳۰۰ نسخه
سال چاپ:	۱۳۹۴
قیمت:	۱۰۰۰۰ تومان
نشانی:	تهران - میدان انقلاب - ابتدای کارگر شمالی - بعد از فرصت - کوچه مستغلی - پلاک ۲۶ - واحد ۳
آدرس الکترونیکی:	www.asrekankash.ir
پست الکترونیکی:	asrekankash@gmail.com
تلفن:	۶۶۹۰۷۳۹۴ - ۲۲۹۰۱۰۱۵

پیشگفتار

ایجاد فضای مطلوب و مورد استفاده همه‌ی گروه‌های اجتماعی همواره یکی از اهداف مهم طراحان شهری و شهرسازان بوده است. به گونه‌ای که هدف اصلی طراحی شهری ارتقای کیفیات محیطی عنوان شده است. لذا یافتن معیارهای مطلوبیت یک فضا همواره سوال کلیدی طراحان شهری و شهرسازان بوده است. مطلوبیت فضا می‌تواند معیارهای مختلفی از جمله زیست محیطی، عملکردی، اجتماعی و کالبدی داشته باشد.

به طور کلی یک فضای مطلوب را می‌توان فضایی دانست که با نیازهای مخاطبین و استفاده کنندگان از محیط (فضا)، پاسخ منطقی و مناسب بدهد. به این ترتیب هر چقدر اهداف طراحی با نیازهای استفاده کنندگان انطباق بیشتری داشته باشد، مطلوبیت فضا نیز افزایش می‌یابد. در نتیجه برداشت و شناخت رفتارهای موجود در فضا برای طراحی یک فضای مطلوب اجتناب ناپذیر است. در این زمینه روش‌های متنوعی جهت برداشت الگوهای رفتاری در فضای شهری توسط محققان مختلف مطرح شده است.

فضاهای شهری امروز و هدف از ایجاد آن‌ها در بیشتر موارد در انطباق با خواست استفاده کنندگان از فضا نیست و این عدم شناخت مخاطب از سوی طراح سبب افول کارایی فضا و در نتیجه مطلوبیت آن می‌گردد. در مجموع می‌توان گفت موفقیت یک طراحی در گرو میزان انطباق آن با رفتارهایی است که در آن رخ می‌دهد. امری که لینچ از آن به عنوان تناسب نام می‌برد. ضرورت توجه به این مسئله در فضاهایی که دارای مخاطبین مختلف و به تبع آن الگوهای رفتاری متنوعی نیز هستند روشن تر است. برای مثال می‌توان به خیابان ولی‌عصر در تهران اشاره نمود که به عنوان طولانی‌ترین خیابان مشجر در دنیا، دارای تنوع قابل ملاحظه‌ای از نظر مخاطب و فضاهای شهری در مسیر خود است. شناخت این الگوهای رفتاری می‌تواند به طراحان شهری کمک کند تا با اقدامات لازم به تقویت رفتارهای مطلوب و محدود نمودن رفتارهای نامطلوب بپاانجامد.

در این راستا پژوهشی برای شناخت معیارهای مطلوبیت فضا و الگوهای رفتاری موجود در خیابان ولی‌عصر انجام شد که هدف آن دستیابی به لیست راهنمای طراحی با توجه به الگوهای رفتاری موجود برای ساخت یک فضای مطلوب بود. در این پژوهش برای برداشت الگوهای رفتاری از روش مشاهده و مصاحبه استفاده شد و در نهایت پیشنهاداتی جهت اصلاح فضا در قسمت‌های مسئله دار مسیر با توجه به الگوهای رفتاری موجود و برای ایجاد فضایی مطلوب بر اساس معیارهای مطلوبیت از نگاه استفاده کنندگان از فضا، ارائه شد. همچنین نقش هریک از معیارها در مطلوبیت یک فضا سنجیده شد.

این اثر اطلاعات مربوط به پژوهشی در این زمینه را در پنج فصل ارائه می‌دهد که گامی کوچک جهت پرکردن خلاء اطلاعاتی موجود در این زمینه برای سایر پژوهشگران علاقه‌مند به موضوعات رفتارگرایی و روانشناسی محیط می‌باشد. همچنین این تحقیق می‌تواند مورد استفاده تمام کسانی قرارگیرد که به نحوی با ساخت فضای شهری سروکار دارند همانند شهرداری‌ها، مشاوران و نیز مجامع علمی (دانشجویان و اساتید). در اینجا از پژوهشگران، طراحان شهری و مهندسان شهرسازی عزیز دعوت می‌نمایم پیشنهادات و انتقادات خود را جهت ارتقاء این اثر به آدرس سایت ما ارسال نمایند.

فهرست مطالب

۷	مقدمه
۱۳	فصل اول: بررسی بعد کالبدی فضای شهری
۱۳	مقدمه
۱۴	۱-۱- زیبایی شناسی فرم
۱۵	۲-۱- سیمای شهری
۱۶	۳-۱- معماری شهری (بررسی بطن های شهری)
۱۷	۴-۱- منظر سازی سخت و نرم
۱۷	۱-۴-۱- محصوریت
۱۸	۲-۴-۱- منظر سخت و نرم
۱۸	۳-۴-۱- عناصر سخت شهری
۲۱	فصل دوم: بررسی بعد اجتماعی فضای شهری
۲۱	مقدمه
۲۲	۱-۲- فعالیت در فضای شهری
۲۳	۲-۲- فعالیت های اجتماعی
۲۳	۱-۲-۲- فعالیت خوردن
۲۳	۲-۲-۲- فعالیت های خیابانی
۲۴	۳-۲-۲- فعالیت های خرده فروشی
۲۴	۴-۲-۲- فعالیت نشستن
۲۵	۵-۲-۲- محل استقرار ثانویه
۲۶	۳-۲-۳- مشوق ها/ محرک های بروز فعالیت های اجتماعی
۲۶	۱-۳-۲- امنیت
۲۸	۲-۳-۲- دسترسی
۲۹	۳-۳-۲- مدیریت و نظارت
۲۹	۴-۲- تعاملات اجتماعی
۲۹	۱-۴-۲- فرآیند برقراری روابط اجتماعی در فضای شهری
۲۹	۲-۴-۲- روابط اجتماعی در فضای شهری
۳۰	۳-۴-۲- تلطیف عواطف جمعی در فضای شهری
۳۱	۴-۴-۲- مشارکت
۳۳	فصل سوم: ادراک ابعاد کالبدی و اجتماعی
۳۳	۱-۳- بخش اول: مبانی نظری ادراکی
۳۳	۱-۱-۳- روان شناسی محیطی

۳۴	 محیط	۱-۱-۱-۳
۳۴	 قابلیت‌های محیط	۲-۱-۱-۳
۳۴	 ادراک	۳-۱-۱-۳
۳۴	 ادراک محیط	۴-۱-۱-۳
۳۵	 عوامل محیطی موثر بر ادراک	۲-۱-۳
۳۵	 رنگ محیط	۱-۲-۱-۳
۳۷	 صدای محیط	۲-۲-۱-۳
۳۷	 نور محیط	۳-۲-۱-۳
۳۷	 دمای محیط	۴-۲-۱-۳
۳۸	 نظریات و رویکردهای ادراک محیط	۳-۱-۳
۳۸	 نظریه کنش متقابل ادراک	۱-۳-۱-۳
۳۹	 نظریه اکولوژیک ادراک	۲-۳-۱-۳
۳۹	 بخش دوم: ادراک ابعاد کالبدی	۲-۳
۳۹	 ادراک کیفیت زیباشناختی	۱-۲-۳
۳۹	 ادراک زیبایی شناختی فرم	۱-۱-۲-۳
۴۱	 بیان حسی زیبایی شناسی شهری	۲-۱-۲-۳
۴۱	 نظریه گشتالت بیان	۳-۱-۲-۳
۴۳	 رابطه نظم و پیچیدگی	۴-۱-۲-۳
۴۴	 رابطه پیچیدگی و خوشایند بودن	۵-۱-۲-۳
۴۴	 جمع بندی ادراک بعد کالبدی فضای شهری	۲-۲-۳
۴۵	 بخش سوم: ادراک ابعاد اجتماعی محیط	۳-۳
۴۵	 محیط و رفتار اجتماعی: (قلمرو، فضای شخصی، خلوت و ازدحام)	۱-۳-۳
۴۵	 قلمرو عمومی	۱-۱-۳-۳
۴۵	 فضای شخصی	۲-۱-۳-۳
۴۵	 فضای اجتماعی	۳-۱-۳-۳
۴۵	 فضای روانی	۴-۱-۳-۳
۴۶	 فضای ادراکی	۵-۱-۳-۳
۴۶	 فرارگاه رفتاری	۶-۱-۳-۳
۴۶	 خلوت	۷-۱-۳-۳
۴۶	 ازدحام	۸-۱-۳-۳
۴۷	 رابطه انسان و محیط: الگوهای انسانی در حوزه رفتار و محیط	۲-۳-۳
۴۷	 کنش ارتباطی	۱-۲-۳-۳
۴۷	 فضای اجتماع پذیر و اجتماع گریز	۳-۳-۳
۴۷	 الگوهای ادراک انسان از محیط	۴-۳-۳
۴۷	 الگوی ماشین انگار انسان	۱-۴-۳-۳
۴۷	 الگوی ادراکی - شناختی - انگیزشی انسان	۲-۴-۳-۳
۴۸	 الگوی رفتاری انسان	۳-۴-۳-۳

۴۸	۳-۴-۴- الگوی بوم شناختی یا الگوی نظام های اجتماعی انسان
۴۸	۳-۳-۵- تاثیر زمان بر رفتار
۴۹	۳-۲-۶- تاثیر رفتار بر کیفیت فضا و بالعکس
۴۹	۳-۲-۷- عوامل فردی موثر بر فرایند ادراک
۴۹	۳-۲-۷-۱- نیازهای انسان
۴۹	۳-۲-۷-۲- ارزش ها
۵۰	۳-۲-۷-۳- انگیزش فرد
۵۰	۳-۲-۸- جمع بندی بخش ادراک ابعاد اجتماعی و کالبدی
۵۱	فصل چهارم: بررسی نمونه موردی- محور ولی عصر تهران
۵۱	مقدمه
۵۱	۴-۱- شناخت نمونه موردی (خیابان ولی عصر)
۵۱	۴-۱-۱- تاریخچه ای از شهر تهران و جایگاه خیابان ولی عصر در آن
۵۵	۴-۱-۴- عناصر شاخص کالبدی و اجتماعی در خیابان ولی عصر
۵۵	۴-۱-۴-۱- تصویر ذهنی و نقاط برجسته در ذهن استفاده کنندگان از خیابان ولی عصر تهران
۵۷	۴-۱-۶- معرفی شاخص های ارزیابی و بومی سازی این شاخص ها
۵۸	۴-۲- روش شناسی، تعیین جامعه آماری، حجم نمونه، روش نمونه گیری
۵۸	۴-۲-۱- شیوه تحقیق، شیوه تنظیم پرسش نامه و جامعه آماری
۵۹	۴-۲-۲- انتخاب مکان تحقیق در حوزه فراگیر و دلایل انتخاب محل
۵۹	۴-۳- ارزیابی و تحلیل داده ها
۶۰	۴-۳-۱- مطلوبیت فضا در خیابان ولی عصر (روانشناسی محیطی)
۶۴	۴-۳-۲- بررسی الگوهای رفتاری خیابان ولی عصر (رفتارگرایی)
۶۵	۴-۳-۲-۱- فعالیت ایستادن
۶۶	۴-۳-۲-۲- فعالیت پیاده روی
۶۸	۴-۳-۲-۳- فعالیت تفریح و سرگرمی
۶۹	۴-۳-۲-۴- فعالیت خرید
۷۰	۴-۳-۲-۵- فعالیت صحبت کردن
۷۲	۴-۳-۳- کیفیت فضایی خیابان ولی عصر تهران
۷۳	۴-۳-۴- بررسی میزان حضور گروه های سنی و جنسی مختلف در فضا
۷۴	۴-۳-۴-۱- میزان حضور افراد مسن در خیابان ولی عصر
۷۵	۴-۳-۴-۲- میزان حضور کودکان در خیابان ولی عصر
۷۶	۴-۳-۴-۳- میزان حضور خانواده ها در خیابان ولی عصر
۷۸	۴-۳-۴-۴- میزان حضور زنان در خیابان ولی عصر
۷۹	۴-۳-۴-۶- میزان حضور مردان در خیابان ولی عصر
۸۱	۴-۴- بررسی میزان حس ازدحام (پیاده و سواره) و شلوغی در مسیر خیابان ولی عصر (روانشناسی محیط)
۸۴	۴-۵- نتیجه گیری
۸۵	فصل پنجم: ارائه راهبردها و اصول طراحی

این پژوهش در پی بررسی مولفه‌های ابعاد کالبدی و اجتماعی فضای شهری بوده، و نهایتاً تأثیر این ابعاد را در قیاس باهم بر کیفیت مطلوبیت فضای شهری دنبال می‌نماید. دلایل مطلوبیت فضاهای شهری، یکسان نیستند، ولی می‌توان بیان داشت که این فضاها دارای اصول مشترکی در طراحی‌اند. لذا این پژوهش به دنبال دستیابی به اصولی جهت بسترسازی برای خلق چنین فضاهایی است. کیفیت مطلوبیت در ارتباط با لایه‌های اجتماعی و کالبدی سیستم شهری، که از مولفه‌های سازنده کیفیت طراحی شهری می‌باشد در ارتقای کیفیت زندگی شهروندان نقشی حیاتی دارد.

فضای شهری به باور اندیشمندان معماری و شهرسازی، فراتر از فضای کالبدی و مولفه‌های هندسی آن است. کولکوهن واژه‌ی فضای شهری را دو گونه تعریف می‌کند: «فضای اجتماعی و فضای ساخته شده یا مصنوع» (کولکوهن، ۱۹۸۹، ۳۲۲). مدنی پور فضای اجتماعی را «تداعی فضایی نهادهای اجتماعی» که مورد مطالعه جامعه‌شناسان می‌باشد بیان می‌کند (مدنی پور، ۱۳۷۹، ۱۴). هر فضایی که بتواند خاطره، شادی و لذت را فراهم نموده، و شهروندان را در طی یک بازه زمانی به مکث و تعامل اجتماعی ترغیب نماید، فضای شهری محسوب می‌شود (پاسیان حضرت، ۱۳۸۲، ۳۲).

از نظر تانگه^۱ فضای شهری، میدانی برای فعالیت‌های فیزیکی انسان و برقراری ارتباطات به شیوه‌ای نمادگرایانه است. اما مهمترین جنبه آن، ایجاد میدانی برای شکل بخشیدن به انسان است (حمیدی و دیگران، ۱۳۷۶). راپاپورت^۲، (۱۹۷۷) فضای شهری را در بردارنده مجموعه‌ای از ارتباطات می‌داند. وی با وارد کردن پارامتر فرهنگ در لیست موارد تأثیر گذار در شکل‌گیری فضاهای شهری گامی به جلو برداشته و حلقه گمشده میان فضای فیزیکی و ذهنی را از طریق هنجارهای فرهنگی پیوند می‌دهد. از نظر شوای^۳ (۱۹۶۹) ساختار کالبدی فضای شهری، بر روابط اجتماعی استوار است. همچنین تیبالدز (۱۹۹۰) معتقد است که فضای شهری آن بخش از بافت شهری است که عموم مردم به آن دسترسی فیزیکی و بصری داشته و یک سازمان عمومی آن را در جهت تأمین منافع عموم، کنترل و اداره می‌کند.

از نظر مامفورد^۴ (۱۹۶۱)، نیز فضای شهری نمود اهداف انسان ارگانیکی است. کستلز^۵ (۱۹۷۷) بیان می‌دارد "فضای شهری، به طور اتفاقی سازمان نیافته بلکه دارای ساختار می‌باشد، و ماهیت آن دارای اشکال فرهنگی بوده و در نتیجه نوعی بیان ایدئولوژیکی است. از نظر وی فضای شهری بازتاب جامعه نیست، بلکه خود جامعه است.

فضای شهری از نظر مدنی پور (۱۳۸۴)، مفهومی است در برگیرنده محیط کالبدی، فعالیت‌ها، رویدادها و روابط میان آن‌ها. همچنین کارمونا به قول بیکن (۲۰۰۳) بیان می‌دارد: «فضای شهری، مکانی است در همه ادوار؛ استوار بر گذشته‌های وزین، حالی زنده و انعطاف پذیر برای آینده». لذا نکته کلیدی در مفهوم فضای شهری، وجود یک بستر تبادل است. پس فضاهای عمومی شهر، بایستی امکان ایجاد ارتباطات اجتماعی و فرهنگی را فراهم آورند (کارمونا و همکاران، ۱۳۸۸، ۱۹۵). بنابراین می‌توان گفت که فضای شهری بخشی از فضای عمومی بوده، که زندگی روزانه شهروندان در آن جاری می‌شود (کولکهن^۶، ۱۹۸۵، ۶۰۳).

¹Kenzo Tange

²Rapaport

³Choay

⁴Louis Mumford

⁵Manuel Castelles

⁶Coolquhoun

این فضا، بیش از هر فضای دیگری در شهر عرصه اعمال متقابل اجتماعی و غلبه هنجارها و ارزش‌های اجتماعی و فرهنگی بوده، که نیازمند کنترل و مشارکت اجتماعی، سرمایه‌گذاری اجتماعی- فرهنگی مردم و عرصه بیان خویشتن آنان، تکثیر، گوناگونی، هماهنگی و تحمل اجتماعی است. فضای شهری بستر حیات مدنی جامعه بوده و محصول تاریخی- فرهنگی جامعه است (پارسی، ۱۳۷۸، ۵). شخصیت این فضا بیش از عوامل تکنولوژیکی، جغرافیایی و فیزیکی ناشی از عناصر پایدار فضا شامل: نظام فعالیت‌ها و عناصر پایدار فضا، شامل: ظرفیت مدنی جامعه شهری و نیروهای اجتماعی- فرهنگی موثر بر آن‌هاست (شوای، ۱۹۶۹، ۳۶-۳۷).

با مرور مجموع نظریات، اندیشمندان در خصوص فضای شهری، می‌توان بیان نمود که فضاهای شهری به عنوان بخشی از فضای عمومی، و تعیین مکانی آن‌اند. تعاریف فضای عمومی شهری بر دسترسی بدون محدودیت و فعالیت‌های متنوع تاکید داشته و مهمترین فعالیت آن تعاملات اجتماعی می‌باشد، که در نتیجه این دسترسی محدود نشده، در آن روی می‌دهد. فضای عمومی شهری بستر مشترکی بیان شد، که مردم فعالیت‌ها و مراسمی را که پیوند دهنده اعضای جامعه است، در آن انجام می‌دهند. چه روزمرگی‌های معمولی و چه جشنواره‌های دوره‌ای باشد. از طرفی فضای عمومی شهری، فضایی است که در آن با غریبه‌ها سهیم می‌شویم، و زندگی جمعی، فرهنگ شهری و مباحث روزمره در آن جاری است.

بر این اساس می‌توان بیان نمود که فضای شهری به رغم جوانب کالبدی‌اش نوعی فضای ادراکی و نمادین، با خلصتی نظام‌مند و ماهیتی مرکب است، از این جهت انعکاس دهنده زندگی مردم بوده، لذا نمود این کیفیت در زندگی روزمره شهروندان، قابل ارزیابی است. بنابراین می‌توان با اندازه‌گیری میزان ادراک این کیفیت (مطلوبیت فضا) از سوی شهروندان، مولفه‌های موثر بر کیفیت مطلوبیت شهری را شناخت.

کیفیت محیط شهری از منظر رویکردهای طراحی کالبدی عمدتاً محصول توجه توأمان به الگوهای فکری، فرهنگی و رفتاری کاربران محیط، نظیر معیارهای کالبدی- محیطی است. لیچ (۱۹۸۱) در کتاب «تئوری شکل شهر» سئوالی را تحت عنوان: «چه چیزهای یک شهر را خوب می‌سازد؟» مطرح می‌کند، و در ادامه در بخش تئوری شکل خوب شهر، هفت معیار در این راستا معرفی نموده است که عبارتند از: محورهای عملکردی، سرزندگی، معنی، تناسب، دسترسی، نظارت و اختیار، کارایی و عدالت. وی در راستای اهداف یاد شده جهت دستیابی به سرزندگی، موارد دیگری به آن می‌افزاید: الف. بقاء: کفایت مقدار لازم آب، هوا، غذا، انرژی و خدمات مربوط به مواد زائد؛ ب. ایمنی: عدم وجود سموم زیست محیطی، بیماری یا خطرات؛ ج. سازگاری: میزان هماهنگی میان محیط زیست و نیازهای انسانی در مورد حرارت داخلی، درک حسی و عملکرد بدن؛ د. سلامتی و تنوع ژنتیکی موجوداتی که از نظر اقتصادی برای انسان مفیداند؛ و ه. ثبات کثونی و آینده کل جامعه بیولوژیکی (لیچ، ۱۳۸۷، ۱۶۶).

عباس زادگان و وحیدیان بیان می‌کنند: کیفیت، به زیبایی شناسی، شکل و نور پردازی محیط مرتبط است (عباس زادگان، وحیدیان، ۱۳۸۸، ۱۶). اگر رابطه انسان با فضای شهری به نحوی باشد که فضا به نیازهای فرد پاسخ گوید، فرد می‌تواند از آن نشاط و آرامش بگیرد و در غیر این صورت فرد هیچ دل‌بستگی و تعلقی به فضا نخواهد داشت (خراسانی زاده، ۱۳۸۲، ۳۲). تیبالدز اشاره دارد به مطالعاتی که توسط ساوت ورث^۲ انجام گرفته؛ و دوازده معیار کلی شامل: خوانایی ساخت، شکل، دسترسی، راحتی و آسایش، حفاظت از محیط، باز بودن فضاها، سرزندگی، حیات، تنوع، تجانس، شادی و شمع، معنی، سلامتی و ایمنی و مرمت و نگهداری به عنوان عوامل اصلی مؤثر در کیفیت محیط شهری پیشنهاد شده است. تیبالدز (۱۹۹۰) به کیفیت انسان محور بودن محیط شهری تاکید داشته، و دست یابی به کیفیت «انسان- محور بودن» را تنها از طریق ترکیب صحیح کاربری‌ها و فعالیت‌ها امکان پذیر می‌داند. وی مسئله مهم در مورد فضاهای عمومی جاذب برای مردم، را ایجاد حس مطلوب بودن یا راحتی آن‌ها بیان می‌کند (تیبالدز، ۱۳۸۵، ۹).^۲

^۱Choay

^۲South worth

جدول ۱: شاخص‌های کیفیت محیطی؛ مأخذ: نگارندگان، ۱۳۹۱، بر اساس {پور محمدی، ۱۳۸۹، (۴۸)، (پارسی، ۱۳۷۸، ۱۸ تا ۲۷)، (کولکوهن، ۱۹۸۵، ۱۰۳-۱۰۴)، (کارمونا و همکاران، ۱۳۹۱، ۲۱۱-۲۶۵)، (لینچ و کار، ۱۹۷۹، ۴۱۵) }.

محقق	مولفه‌های کیفیت محیط
جین جیکوبز (۱۹۶۱)	ملحوظ داشتن فعالیت‌های مناسب پیش از توجه به نظم بصری محیط؛ استفاده از کاربری مختلط چه به لحاظ نوع استفاده و چه از نظر حضور اینیه یا سنین مختلف؛ توجه به عنصر خیابان؛ نفوذ پذیری بافت که به مفهوم استفاده از بلوک‌های کوچک است؛ اختلاط اجتماعی؛ و انعطاف پذیری قضاها.
لانسینگ و مارانس (۱۹۶۹)	باز بودن؛ راحتی؛ جذابیت؛ نگهداری؛ ارتباط با همسایگان.
سانوف و ساونی (۱۹۷۲)	ایمنی از آتش سوزی؛ امنیت توسط حضور پلیس؛ مدارس با کیفیت خوب؛ جمع آوری قانونمند زباله؛ امنیت منطقه برای بچه‌ها؛ همسایه‌های مهربان؛ فاصله مناسب پیاده رو از کلیسا؛ وجود مراکز نگهداری بچه‌ها؛ ایمنی در برابر صدای خیابان؛ درختان نزدیک خانه؛ فاصله مناسب از دوستان و خویشاوندان؛ وجود پارکینگ کافی.
اپلبارد و لینتل (۱۹۷۲)	عدم وجود خطرات ترافیکی و استرس؛ عدم وجود آلودگی صوتی؛ خلوت؛ تنوع مسکن؛ وضوح؛ دلپذیری و تعلق خاطر.
کارپ و همکاران (۱۹۷۶)	ایمنی در برابر صداهای مزاحم؛ زیبایی؛ همسایه‌های خوب؛ ایمنی؛ تحرک؛ عدم وجود آزار و اذیت.
کوبین لینچ (۱۹۸۱)	سرزندگی؛ معنی؛ سازگاری؛ دسترسی؛ کنترل؛ نظارت؛ همچنین دو فوق معیار؛ کارایی؛ و عدالت.
پروفسور دوهل (۱۹۸۴)	بالا بودن سطح بهداشت بر اساس شاخص‌های قابل قبول بهداشتی؛ وجود خدمات بهداشتی مفید و قابل دسترسی برای کلیه ساکنین؛ بالا بودن کیفیت کالبدی محیط؛ مسکن مناسب؛ وجود اکوسیستم‌های سالم؛ وجود محلات فعال و معنی‌دار؛ رفع نیازهای اولیه هر شهروند؛ وجود روابط اجتماعی در حد معقول؛ وجود اقتصاد متنوع و خودکفا؛ تنوع فعالیت‌های فرهنگی؛ الگوی متناسب شهرسازی منطبق با نه عامل فوق.
بنتلی و همکاران (۱۹۸۵)	نفوذپذیری؛ تنوع؛ خوانایی؛ انعطاف پذیری؛ سازگاری بصری؛ غنا؛ قابلیت شخصی سازی؛ کارایی از نظر مصرف انرژی؛ پاکیزگی؛ حمایت و پشتیبانی از حیات وحش.
اپلبارد و اوکاموتو (۱۹۸۷)	وجود نور کافی؛ عدم وجود گرد و غبار و دود؛ میکرو اقلیم مناسب؛ خلوت کافی؛ فعالیت‌های ارزشمند؛ وضوح؛ تعاملات اجتماعی.
آلن جیکوبز و داندل اپلبارد (۱۹۸۷)	سرزندگی؛ هویت؛ کنترل؛ دسترسی به فرصت‌ها؛ تخیل؛ شادی؛ اصالت و معنا؛ زندگی اجتماعی و همگانی؛ خود اتکایی شهری؛ محیطی برای همه.
مایکل ساوت ورث (۱۹۸۹)	ساختاری خوانا؛ فرم‌های متنوع؛ حس مکان؛ هویت؛ دیدها و مناظر؛ مقیاس انسانی.
روماناسیدیکوی و همکاران (۲۰۰۳)	عدم وجود آلودگی آب، هوا، صدا، زباله، و ترافیک سنگین.
متیو کارمونا (۲۰۰۳)	پایداری زیست محیطی؛ منظر شهر؛ کیفیت دیدها؛ فرم شهر؛ کیفیت عرصه همگانی.

به طور کلی رویکردهای کیفیت طراحی شهری، در سه دسته قابل بررسی‌اند؛ کیفیت طراحی شهری به مثابه کیفیت محیط کالبدی و مستقل از ناظر؛ در این رویکرد کیفیت طراحی شهری، ماهیتی متعلق به محیط و به طور مشخص متعلق به کالبد است. بسیاری از طراحان شهری نوخردگرا از طرفداران این نظریه‌اند. روسی^۱، در کتاب «معماری شهر بر اصالت فرم‌ها»، به نقش تعیین کننده کیفیات محیطی، (مستقل از عملکرد آن) می‌پردازد (روسی، ۱۹۸۲، ۶). وی از بررسی کیفیات محیطی از طریق کندوکاو در محتویات ذهنی و روانی ادراک کنندگان فضا، و استفاده از علوم رفتاری (نظیر روان شناسی محیطی) در کشف کیفیات طراحی

^۱Rossi

شهری به شدت انتقاد می‌کند. وی عقیده دارد چنین علومی قادر نیستند اطلاعات با اهمیتی را به دانش طراحی فرم‌ها بیفزایند. از نظر وی، برخی فرم‌ها به صورت ذاتی کیفیاتی بی‌زمان^۱ داشته، و می‌توانند با پذیرفتن عملکردهای گوناگون در زمان‌های مختلف، تداوم تاریخی یابند. بر اساس این دیدگاه کیفیت طراحی شهری، از کیفیت فرم محیط نشئت می‌گیرد (جبریت محیطی)^۲ (همان ۱۱۴).

الکساندر از جمله صاحب‌نظرانی است که کیفیت طراحی شهری و معماری را، تابعی از کیفیت الگوهای محیط می‌داند. وی عقیده دارد: ارائه تعریفی از کیفیت طراحی شهری ممکن نیست، و برای اشاره به چنین کیفیتی که به گفته‌ی وی "ریشه و بنیان هر شهر مطلوبی است و به آن سرزندگی، کلیت و راحتی می‌بخشد"، از اصطلاح «کیفیت بدون نام»^۳ استفاده می‌کند، زیرا عقیده دارد که چنین کیفیتی را نمی‌توان تعریف و نام‌گذاری کرد (الکساندر^۴، ۱۹۷۹، ۷). باید توجه داشت که به رغم مشابهت لفظی برخی نظریات الکساندر با روسی، نظیر ارزش بی‌زمان فرم‌ها یا الگوها، این دو متعلق به دو نحله فکری کاملاً متفاوت طراحی شهری‌اند.^۵ دومین رویکرد، کیفیت طراحی شهری به مثابه مقوله‌ای ذهنی، و فارغ از ساختار و خصوصیات کالبدی محیط: نظریه پردازان شهری دهه ۱۹۶۰ که عمدتاً بدون توجه به نظام معماری و طراحی شهری به مسائل و معضلات شهری می‌پرداختند، در این گروه طبقه بندی می‌شوند (امکان گرایی محیطی^۶). و نهایتاً در رویکرد سوم؛ کیفیت طراحی شهری به مثابه پدیدار^۷ یا رویدادی^۸ که در تعاملی^۹ میان خصوصیات کالبدی، الگوهای فرهنگی و ذهنیت ناظر شکل می‌گیرد. نظریه پردازان تجربه‌گرای شهری همچون لینچ، اپلیارد، لنگ و نسر از مهم‌ترین حامیان این رویکرد به مفهوم کیفیت طراحی شهری‌اند. کیفیت طراحی شهری در این رویکرد، از طریق به عرضه گذاشتن خصوصیات محیط کالبدی از یک سو، و درک، شناخت و ارزیابی ناظر از سوی دیگر خلق می‌شود.

بدین ترتیب شناسایی معیارهای مطلوبیت از سوی بهره‌برداران فضا اولین گام جهت طراحی فضاهای شهری مطلوب است. از این رو سعی شده است تا بر اساس پژوهش‌های صورت گرفته، معیارهایی جهت پرورش از استفاده کنندگان از فضاهای خیابان ولی عصر تدوین شود. این معیارها در ۴ دسته‌ی معیارهای کالبدی، عملکردی، زیست محیطی و معنایی دسته بندی گردیدند.

فضای مطلوب و طراحی شده بر اساس خواسته‌های استفاده کنندگان زمینه‌ای برای رفتارهای مطلوب را ایجاد می‌نماید. فضای مطلوب و طراحی شده بر اساس معیارهای مطلوبیت از سوی بهره‌ور آن فضا ظرفی برای تحقق رفتار مطلوب است. با علم بر شاخص‌های نامطلوبیت از سوی استفاده کنندگان می‌توان طراحی را هم‌سو با اهداف استفاده کنندگان طراحی نمود و جلوی بسیاری از هزینه‌های غیر ضروری را گرفت. از طرفی با شناخت اولویت‌های عموم جهت یک فضای مطلوب و در نظر گرفتن معیارهای اصلی نامطلوبیت می‌توان حداقل از ایجاد فضاهای نامطلوب جلوگیری نمود.

با ارزیابی مکان‌هایی که از سوی استفاده کنندگان به عنوان فضاهای مطلوب و یا مکان‌های نامطلوب عنوان گردیدند؛ اطلاعات به دست آمده بر اساس گروه‌های سنی، جنسی و سایر ویژگی‌ها مورد بررسی قرار گرفته‌اند تا بتوان نیازهای هر گروه را سنجید و بر اساس آن در فضاهای مختلف خیابان ولی عصر طراحی نمود. شناخت فعالیت‌ها و زمان‌های بروز آن‌ها و در مجموع آشنایی به تعداد، تداوم و تکرار فعالیت‌ها به طراحی بهتر فضا و ایجاد انعطاف‌پذیری در فضا کمک شایانی می‌نماید.

شناخت مخاطب و استفاده‌ای که از فضا صورت می‌پذیرد، جهت طراحی اصلی‌ترین گام است تا طرحی پاسخگو به نیازهای استفاده کنندگان ارائه شود. با شناخت رفتارهای صورت پذیرفته در فضا و ساماندهی رفتارها، به تبع آن، فضا و کالبد آن بر اساس نیازهای استفاده کننده، کارایی فضاهای شهری به حداکثر میزان ممکن خواهد رسید.

^۱Timeless

^۲Determinism Environmental

^۳Pattern

^۴Quality without a name

^۵Alexander

^۷Environmental Possibilism

^۸Phenomenon

^۹Event

^{۱۰}Transaction

^۶برای اطلاعات بیشتر در مورد اختلاف نظر الکساندر و روسی ر.ک. به: گلکار، ۱۳۷۸

فضای مطلوب، فضایی بر اساس خواسته‌ها و نیازهای استفاده‌کنندگان خود، فضایی سرزنده و با نشاط در بیشتر ساعات روز می‌باشد. چنین فضایی ظرف فعالیت‌های مطلوب می‌شود. طراحی بر اساس نیازها و خواسته‌های استفاده‌کننده لازمه‌ی ایجاد فضای مطلوب می‌باشد. فضاهای شهری با مسائل پیچیده اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی گره خورده‌اند. از این جهت مطلوبیت یک فضا در گرو مطلوب بودن ابعاد مختلف فضا از نظر بهره‌وران فضا می‌باشد. این مهم جز از طریق شناخت مخاطب امکان پذیر نیست، ساده‌ترین را مشارکت استفاده‌کنندگان از فضا در طراحی فضا می‌باشد که این به عهده طراح شهر است.

طراحان شهری، مدافع حقوق عموم و تأمین‌کننده نیازها و خواست عموم در فضاهای عمومی می‌باشند. مطلوبیت موضوعی نسبی است از این جهت بحث آموزش در این زمینه بسیار مهم به نظر می‌رسد، چرا که سلیقه‌ی عموم در ارتباط با مطلوبیت ارتباط عمیقی با تجارب آنان از فضاهای شهری و سطح انتظاراتشان از فضای شهری دارد. در این راستا ارتقای سطح سلیقه عموم و انتظارات آنان از فضا توسط آموزش مطرح می‌شود تا بتوان معیارهای مطلوبیت فضا از طرف بهره‌برداران را ارتقاء داد و فضاهای شهری آموزش دهنده‌ای طراحی نمود.

در فرآیند ادراک، عوامل فردی و محیطی موثر می‌باشند، ولی با توجه به مطالعات انجام شده، نقش عوامل محیط در این فرآیند موثرتر می‌باشد. طراحی شهری با تغییر در مکان (ارتقای کیفیات محیطی)، زمان (تشویق به استفاده طولانی‌تر)، معنی و روابط (تشویق به تعاملات اجتماعی) می‌تواند بستری مناسب جهت ادراک کیفیت مطلوبیت و سرزندگی فراهم آورد. در این پژوهش جهت دستیابی به پاسخ پژوهش، مطالب در پنج فصل طبقه‌بندی شده‌اند. در فصل نخست، تحت عنوان بررسی بعد کالبدی؛ به مولفه‌های سازنده این بعد از فضای شهری پرداخته شده؛ همچنین در فصل دوم تحت عنوان بررسی بعد اجتماعی؛ به مولفه‌های سازنده این بعد از فضای شهری پرداخته شده است. در فصل سوم، تحت عنوان بررسی روان‌شناسی محیطی و الگوهای رفتاری، به بررسی مفاهیمی چون ادراک و رفتار، و مولفه‌های موثر بر ادراک و رفتار پرداخته می‌شود. نهایتاً در فصل چهارم تحت عنوان بررسی خیابان‌ولی‌عصر؛ که به دو بخش شناخت این فضا و تحلیل ابعاد کالبدی و اجتماعی آن بر اساس شاخص مستخرج از میانی نظری تقسیم شده است، پرداخته شده و نتیجه آن در فصل آخر، تحت عنوان ارائه راهبردها، بررسی شده است.

لازم است از سرکار خانم دکتر فریبا قرایی و دکتر مهناز اشرفی به جهت راهنمایی‌های ارزنده‌شان در زمینه پیشرفت و اتمام موفق طرح پژوهشی که این مجلد حاصل آن می‌باشد، تشکر و قدردانی نمایم. همچنین از رئیس محترم دانشکده معماری و شهرسازی دانشگاه هنر، سرکار خانم دکتر ریما فیاض، مدیر گروه شهرسازی دانشگاه هنر جناب آقای دکتر ناصر برکپور، و نیز سرکار خانم دکتر میترا حبیبی که با در اختیار قرار دادن فایل ترجمه‌یشان از کتاب ویلیام وایت (۲۰۰۳) قبل از انتشار آن از سوی دانشگاه هنر که سبب پیشبرد تحقیقات ما شد و همچنین همکاران عزیزمان در گروه مطالعات میدانی این پژوهش آقای کیارش کاظمی و خانم الهام مظفری، نهایت تشکر و قدردانی را داریم.

حسین مبینی/ محسن شکری

کارشناسان ارشد طراحی شهری از دانشگاه هنر (تهران)

دی ماه ۱۳۹۳